

به عون صانع مکین و مکان فضل خلاق زمین و زمان نسخه

نصاب الصبیان

در مطبع [illegible] رفاه عام لاهور طبع [illegible] شد

دستور الصبیان (فارسی)

بسم الله الرحمن الرحیم

حمد وافر و بیمر آفریدگاری که انشائی آفرینش حرفی از قلم قدرت اوست۔ نظم۔ لطیف و کرم گستر کارسازی که دارائے خلق است دانائے راز * توان با بلاغت بکمالش رسید * نه در کنه بیچون سبحان رسید * و نعت فراوان بر پیغمبری که املائی دانش و بینش نکته از خامه هدایت اوست نظم یتیمی که ناکرده قرآن درست * کتب خانه چند ملت بشست * امام رسل پیشوائے سبیل * امین خدا مهبط جبرئیل * صلی الله علیه و آله و اصحابه اجمعین۔ محرر این رساله که مسمی به دستور الصبیان است۔ خادم طلبه نوینده رائے در خدمت منشیان عالی طبع التماس می دارد که برائے افاده تعلیم مبتدیان این رساله تحریر اسما فارسی و افعال فارسی و قوانین فارسی بتسطیر این اوراق اتفاق افتاد امید که بر کمال هنر این ناقص گمان نه برده عیب پوشی را کار فرمایند۔ نظم۔ شنیدم که در روز امید و بیم * بدان را به نیکان بخشد کریم * تو نیز ار بدی بینی اندر سخن * بخلق جهان آفرین کار کن * مخفی نماند که انشائے در لغت پیدا کردن است و در اصطلاح سخنیست که از معنی آن حصول مطلب باشد و مکتوب الیه یعنی بهر کسی که نوشته شود زیاده از سه مراتب نیست بزرگ یا خورد یا برابر لاجرم این رساله را سه فصل نموده شد فصل اول بجانب اعلیٰ فصل دوم بطرف ادنیٰ۔ فصل سوم بسمت مساوی چون قوانین سلاطین امرا در کتابهای قدیم

بسیاست و فہم صبیان از ادراک آن قاصر لہذا موقوف داشته اختصار بر ضوابط ضروری مطلوب نموده شد

فصل اول بجانب اعلی مشتمل بر پنجاه و نه مکتوب

مکتوب اول. بجناب سعادت مآب پیر دستگیر روشن ضمیر سلامت آداب و تسلیمات بیدا بجا آورده
بعرض خادمان آستان هدایت نشان میرساند که باعث مهجوری سبب دوری از کثرت کاسل است. لیکن
شوق حصول قدمبوس زیاده از حد بیان است انشاء الله تعالی بعد فراغ از امور ضروری سعادت قدمبوس
حاصل می نماید آفتاب هدایت ارشاد ایما درخشان باد. مکتوب دوم ذات جامع الکمالات حضرت
راهنمای سالکان طریق خدادانی دائما بر سر معتقدان سایه گستر باد مراتب زمین بوسی بجا آورده معروض
بندگان جناب بابرکات میدارد. بورود افتخار نامه سعادت دارین حاصل گردید هرچه در باب اشتغال وظیفه
از زبان الهام بیان تلقین یافته ارشاد شده بود. حقایق آگاه از برکت توجهات باطن قدسی آنحضرت
هرگز از اشتغال اوراد غافل نیست. همیشه با حصول سعادت قدمبوس امیدوار است. بدیعه سعادت صبح الفت
خورشید افاضت و افادت درخشان باد. مکتوب سوم. رهنمای سالکان و پیشوای عارفان سلامت شرائط
آستان بوسی بتقدیم رسانیده باهزاران تمنائی قدمبوس معروض میگرداند صحیفه هدایت آمود مع تعویذ
بازو که از تفضلات مرید نوازی عنایت شده بود. ورود فرمود. فراوان سعادت دنیا و آخرت بحصول
پیوست ایزد تعالی سایه بلند پایه آنحضرت همیشه بر سر مریدان مبسوط گرداناد. مکتوب چهارم هادی اهل خدا
شناسی سلامت. تسلیمات معتقدانه بجا آورده بعرض بهره اندوزان بارگاه هدایت میرساند تست که از فرط
خیریت ذات ملکی صفات خبر نه یافته خاطر عقیدت اثر متردد امیدوار است که از چگونگی اوقات مبارک ارشاد
فرمایند که جمعیت ظاهر و باطن حاصل شود. زیاده بجز تمنای قدمبوسی چه عرض نماید. مکتوب پنجم قبله مریدان
و کعبه معتقدان سلامت. قواعد بندگی و پرستندگی بتقدیم رسانیده معروض میدارد از برکت توجهات باطنی
آنحضرت مطلبی که در خاطر این بدرست اعتقاد بود بحصول انجامید مبلغ یکصد و شصت و پنج روپیه نذر خادمان درگاه

ارسال داشته امیدوارست که بدرجهٔ اجابت سد ابواب ارشاد کشاده باد. مکتوب ششم مجمع فضائل و
منبع فواضل سلامت بعد ادائے آداب عبودیت بعرض بهم آنند فدوان معتقدان جناب فضیلت مآب
میرساند اندرونیکه تشریف کیف بطرف دولتخانه ارزانی فرموده اند. اتفاق مطالعه کتب عربی نمی افتد
مگر کتابهای فارسی مطالعه می کنند. امیدوارست که از قدوم سعادت لزوم دیدهٔ انتظار متعلمان را منور
فرمایند که از درس علم محروم نه گردد. هنگام افاضت فائده فایوت کرم بار. مکتوب هفتم فیض بخشائے علوم
دینی و دنیوی سلامت آداب کورنشات فدویانه بجا آورده معروض خدمت فیض رحبت میگرداند
بورود فرمان نامه سعادت وان جمعیت بیکران حاصل نمود. و عدهٔ قدوم فیض لزوم بعد انقضائے شهر
رمضان المبارک بقلم فیض رقم آمده بود امیدوار توجهات است که بموجب ارقام شریف تشریف ارزانی فرمائند
سایهٔ سعادت پایهٔ آنحضرت دایما بر سر معتقدان مبسوط باد. مکتوب هشتم مخزن علوم سبحانی و
معدن فیوض یزدانی سلامت. خواهد کورنشات و شرائط تسلیمات تقدیم رسانیده بعرض جناب میرساند اندرونیکه ورود
حضور کمالات ظهور میرساند صحیفهٔ سعادت بخش پرتو ورود انگنده. فوائد کونین و مقاصد دارین حاصل
گردانید. در باب طلب این کمترین تلمیذان ارشاد شده بود انشاءالله تعالی بعد یک هفته سعادت قدمبوس
حاصل مینماید. آفتاب هدایت تابان باد. مکتوب نهم کاشف علوم شریف و واقف فنون لطیف حضرت
میاں نجیب سلامت. کمترین شاگردان فدویت آگین شهاب الدین تسلیمات فدویانه و کورنشات شاگردانه بجا
آورده معروض دانش اندوزان خدمت سراپا برکت می گرداند. در نیولا بورود نوازش نامه سرفراز نشده
خاطر عقیدت مآثر متردد دست امید نوازشات ستوده صفات آن دارد. که باصدار کرامت صحائف
مشتمل بر مژده خیریت ذات تسلی و طمانیت بخشند. زیاده بجز آرزوئے وقت مبوسی چه عرض نماید. مکتوب دهم جناب مولوی
صاحب قبله و کعبه معتقدان سلامت. لوازم بندگی و شرائط سر افگندگی بجا آورده معروض ضرایع صفا ضیای
می گرداند. اندرونیکه جناب جعه آن ثبت شده اند. باصدار عنایتنامجات یاد نفرموده اند. موانع آن

بسمع خیریت و انبساط خاطر امری دیگر مسبا توقع از توجهات بزرگانه آن بود که از مژده ذات ملکی صفات
اطلاع بخشند که جمعیت ظاهر و باطن بحصول پیوندد و ظل عاطفت بر سر خادمان مبسوط باد - مکتوب یازدهم
قبلهٔ حاجات دو جهانی و کعبهٔ مرادات جاودانی سلامت. شرائط عبودیت و بندگی و ضوابط فدویت و سرافگندگی
بجا آورده معروض خدمت سراپا برکت می گرداند روئداد این است که دستو حسب شکر ایزد بیچون و صحت و
تندرستی ذات جامع الصفات از حضرت آفریدگار استدعا دارد. درین زمان سعادت آمود ورود فرمود
مالامال خرمی و هزاران جمعیت حاصل ساخت و آنکه تا که برای تحصیل علم در حق کمترین فرزندان
در تمت قلم نوازش رقم شده بود دستور اسعات و بهبود خود دانسته بر اشتغال آنها و در خدمت
مولوی صاحب حسب قبله حاضر می باشد ظل عاطفت آن مربی دو جهان همیشه بر مفارق فرزندان مبسوط باد. مکتوب دوازدهم
قبلهٔ کونین و کعبهٔ دارین مد ظله العالی مراتب کورنش فدویت بجا آورده معروض خادمان جناب سعادت
مآب قبله گاهی ولی نعمتی حیوی می سازد بورود نوازشنامهٔ شریف جمعیت تازه و دولت بی اندازه
حاصل نمود - در باب ارسال خیمه و فرش وغیره اشیای همراهی که ارشاد شده بود حسب الامر یک منزل خیمه و
دو جفت شطرنجی بر چهکره بار کرده ارسال داشته و دیگر اشیای مطلوبه همراه مبارک خدمتگار از عقب روانه
می سازد دولت جاوید همقرین روزگار عالی باد - مکتوب سیزدهم - قبلهٔ آمال و امانی خداوند نعمت
ولی نعمتی صاحب سلمه الله تعالی - بعد تقدیم شرائط عبودیت و آرزوی حصول سعادت قدمبوس که عمده
مقاصد کونین است معروض رای اعلی میگرداند حالات اینجا مالامال خیریت و مژده سلامتی ذات
آن خداوند خدائیگان روز و شب مستدعی است از خدمت عالی رخصت گشته در لشکر ظفر پیکر بندگان
نواب عمدة الملک سپهبد ملازمت جناب خانصاحب نصا داروغهٔ کچهری حاصل نمود - خانصاحب توجهات قدیم
مرعی فرموده امیدوار روزگار نموده اند - انشاء الله تعالی وقتیکه بخدمتی منصوب خواهد شد بجناب عالی
اطلاع خواهد نمود زیاده چه عرض نماید - مکتوب چهاردهم - قبلهٔ صوری و معنوی و کعبهٔ دینی و دنیوی

قبله گاهم

حضرت قبله گاهی جیو سلمه الله تعالی آداب تسلیمات فرزندانه و قواعد کورنشات فدویانه مودیانه ساخته
بعرض عالی میرساند. نوازشنامه سعادت آمود ورود فرموده سرفرازی بیکران بخشید جمعیت وافر افزود و آن رسید هنڈوی
مبلغ یک هزار و پانصد روپیه که مصحوب عریضه شنمند خدمتگار بر دکان گلاب رام ساهوکار بلده لکهنو عنایت
شده بود. مطابق ارشاد آن قبله گاهی جهان از دولت زند گورا از دکان شاه ساهوکار مسطور بدست آورده رسید هنڈوی
مسطور حواله ساهوکار نموده شد ذات بابرکات دائما بر سر فرزندان سایه گستر باد. مکتوب پانزدهم
مهربان حسب الرضا قبله خدایگان خداوند و کعبه مراد دو جهان سلامت بعد ادای آداب فرزندی معروض
میدارد احوال اینجا مقرون بحمد ایزد است مژده خیریت ذات بابرکات دمبدم از درگاه الهی مسالت
مینماید از روزیکه متوجه سمت لشکر فیروزی اثر بندگان فیض حسب قبله دام اقباله شده اند باصدار تسلی
نامجات باوجه فرمودند خاطر فدویان متردد است لهذا راجو قاصد را رخصت نموده امیدوار است که از
خیریت هائی ذات والا صفات حقیقت نوکری مفصل ارشاد فرمایند که جمعیت خاطر بحصول انجامد عمر و دولت
در ترقی باد. مکتوب شانزدهم. عموی صاحب قبله خدایگان سلامت آداب عبودیت بندگی بجا آورده التماس
میدارد عنایتنامه به تودد افگنده جمعیت بی انتها بخشید در باب طلب فدوی ارقام نموده بودند خواستم
بود که بموجب ارقام شریف و در افی الفور بسو اخدمت عالی نماید لیکن بسبب بعضی کارها ضروری توقف نمود
انشاء الله تعالی بعد دو سه روز از امور مرجوعه فراغت نموده نعمت ملازمت حاصل مینماید سایه عاطفت
آن نبی دو جهان دائم بر سر فرزندان بستو باد. مکتوب هفدهم. عموی صاحب خدایگان نبی دو جهان سلامت
لوازم فدویت و سرافگندگی بجا آورده معروض میدارد عنایتنامه که بورود الطاف رقائم جمعیت اندوز
نشد امیدوار اشفاق مرتبت آنست که برخلاف ماضی از صدر عنایت نامجات ممتاز فرموده باشند
که جمعیت ظاهر و باطن از آنست یک حقه بدی غرشنی برای آن خدایگان ارسال نموده بنظر فیض اثر خواهد
گذشت مقبول خاطر گرامی خواهد بود زیاده بجز بندگی چه عرض نماید. مکتوب هیجدهم. خداوند فیض رسان

امیدگاه دو جهان سلامت بعد تقدیم شرائط بندگی و آرزوی حصول سعادت ملازمت که خلاصهٔ مقاصد است
معروض خدمت فیضدرجت میگرداند. مبلغ پانصد روپیه برائے خرید یک راس اسپ نر کی بدست سیوارام
خانسامان مرحمت شده بود حسب الامر به نخاس رفته اسپان ملاحظه نموده یک راس اسپ نر کی جوان و رهوار
قابل سواری آن خداوند ایگان بقیمت مبلغ پانصد و پنجاه روپیه مقرر نموده پنجاه روپیه دیگر عنایت شود که اسپ
مذکور خرید ارسال نماید عنان سمند مقصود در قبضه آرزو خواهان باد. مکتوب نوزدهم عموی صاحب
قبله فیاض ما سلامت بعد تقدیم شرائط فدویت و لوازم تسلیم عبودیت معروض میگرداند احوال این
محال مقرون بحمد ایزد متعال است مژدهٔ تندرستی ذات والا صفات دائما مطلوب. از نوشته مع یک چهره
ونقد مالگزاری ورود فرمود. و نشاط و جمعیت بی انتها حاصل گردید او سبحانه تعالی آن مربی و مهربان را دیرگاه
سلامت با کرامت دارد زیاده چه عرض نماید. مکتوب بستم قبله آمال و امانی سلامت فدوی منتسم
آداب کورنشات و بندگی بجا آورده معروض میدارد. عاطفت نامه مشتمل بر طلب یک شیشه گلاب در کمال
انتظار شرف ورود فرمود معزز ساخت مطابق ایمای شریف شیشه گلاب دوآتشه ارسال داشته اگر دیگر مطلوب
باشد. ارقام خواهند فرمود که بسعادت خود دانسته ارسال خواهد داشت زیاده چه التماس نماید. مکتوب بیست و
یکم. اخوی صاحب قبله فیض رسان سلامت بعد تقدیم آداب بندگی معروض بخدمت برادران زمان حضور
میرساند عنایت نامه ورود فرمود. برادران خورد را جمعیت حاصل گردید. ارادهٔ لشکر ظفر پیکر بندگان
نواب صاحب فیروز جنگ ارقام فرموده بودند. حقتعالی در همه جا و همه حال حافظ و ناصر بوده بمطالب دلخواه
فائز گرداناد. و امید از الطاف بیغایت آن است که بمجرد رسیدن لشکر خیریت اثر بدست آیندگان این صوب
نگارش خواهند فرمود که تسلی ظاهر و باطن از آن بیشتر زیاده دولت جاوید روزی باد. مکتوب بیست و دوم
بهائی صاحب قبله خداوند خدایگان سلامت بعد فدویت بندگی بجا آورده التماس میدارد که احوال
این حدود مقرون بحمد است و مژده صحت و سلامتی ذات بابرکات علی الدوام از درگاه الهی خواهاند.

سابق در مقدمهٔ شادی خوردار سعادتمند ڈال چند صاحب ساکن قصبه ملی نگر نجد منگرامی
التماس نموده بود اگر خود بدولت قبول فرمایند رسوم نسبت بظهور آید قاصد برای محض این کار فرستاده
شد. امید که زود جواب عرضی مرحمت فرمایند جمعیت دائما زیاده باد. مکتوب بست و سوم بوالد صاحب
خدایگان بی فیض رسان سلامت شرائط بندگی عبودیت بجا آورده معروض میدارند سانحه این دواعی جهت منتو
شکر الهی ست و نوید سلامتی ذات مبارک آن خدایگان روز و شب از حضرت صمدیت مسالت مینماید صحیفه
اشفاق پرتو ورود افگند جمعیت انشراح وافر بخشید مبلغ و صد روپیه جهت خرید پارچه عنایت شده
بود بموجب ارقام لفافه پارچه خریده کرده فرستاده شد تعداد تهانها و تفصیل قیمت آن از فرد علیحده روشن خواهد
شد. زیاده چه عرض نماید. مکتوب بست و چهارم بوالد صاحب قبله دو جهان سلامت - بعد تقدیم شرائط بندگی
التماس می دارد تلطف نامه ورود فرموده معزز و ممتاز ساخت در باب گزرانیدن عرضی بجناب بیوه صاحب
قبله و حصول جواب امر شده بود مطابق فرموده لفافه عرضی گزرانید جواب حاصل نموده ارسال داشته
همیشه امیدوار انشاء الله تعالی عمر و دولت زیاده باد. مکتوب بست و پنجم بجانب صاحب خدایگان پشت
و پناه بربوران سلامت مراتب بندگی و غلامی بتقدیم رسانیده معروض میدارد - درین روزها بصدار عنایت
نامجات یاد نه فرمودند. خاطر فدوی متردد است امید از توجهات مرشد آن دارد - کار زود روئیداد خیریت
نهاد ارشاد فرمایند - که تسلی ظاهر و باطن بحصول پیوندد و زر یکه سابق برای خرچ خانه عنایت شده
بود بخرچ در آمد امیدوار است که چیزی برای خرچ دیگر مرحمت شود. زیاده چه التماس نماید. مکتوب بست و ششم
بجانب صاحب قبله خدایگان فیض بخش و فیض رسان سلامت بعد تقدیم بندگی که وظیفه مستمندان است
معروض میدارد خورشید ضیائی میگرداند. عاطفت نامه شفقت آمود عز ورود فرمود جمعیت فراوان و
نشاط بی پایان حاصل گردید مبلغ پانصد روپیه که از راه توجهات مرشد عنایت شده بود رسید هزاران
جمعیت و فارغ البالی بخشید حق تعالی آن مربی فیض رسان را تا دیرگاه بر سر فدویان سلامت دارد.

زیاده بجز شکر توجهات چه عرض نماید. مکتوب بیست و هفتم. ماموں صاحب قبله خدائیگان تکیه گاه بیکسان
سلامت. شرائط عبودیت و بندگی بجا آورده التماس میدارد. مدت است که بورود عنایت
صحائف ممتاز نه گردید. از توجهات مرشیانسبی بعید نموده امید از عاطفت بیکران است. که بر خلاف ایام
گذشته باصدار عنایت نامجات یاد و شاد میفرموده باشند که تسلی و تقویت ظاهر و باطن از آن است دولت و
اقبال و ترقی زیاده باد. مکتوب بیست و هشتم. ماموں صاحب قبله اهل و آمانی سلامت بعد تقدیم مراتب
عبودیت بعرض خدمت فیض موهبت میرساند نوازشنامه مشتمل طلب فدوی که باصدار یافته است معزز
و ممتاز فرموده خواسته بود. که بموجب ایماء شریف خود را بهره اندوز خدمت گرامی سازند و لیکن بسبب بارش
باران و کثرت آب و خلابه توقف راه نموده وقتیکه بارش فرصت میدهد راه خشک میشود زود و بسعادت
ملازمت فایز خواهد شد ذات بابرکات و ایما بر سر فدویان سایه گستر باد. مکتوب بیست و نهم ماموں صاحب قبله
خدائیگان فیض بخشای مستمندان سلامت لوازم عبودیت و بندگی که بموجب سعادت ابدی است بتقدیم
رسانیده التماس میدارد و سابق ارشاد بود که در ماه بیساکه قاصد سخ خرچ خواهد رسید چون عرصه منقضی
شده ناچار بعد انتظاری بسیار قاصد را سه روپیه اجرته مقرر نموده روانه کرده امیدوار است که بدست قاصد مزبور
در خاطر مبارک بیاید برائی خرچ عنایت فرمایند زیاده چه عرض نماید. مکتوب سی ام ماموں صاحب قبله فیض رسان
بیکسان سلامت آداب عبودیت بجا آورده التماس مینماید که فدوی از چهار ماه معطل در خانه نشسته است
اگر در سرکار وقتمندار نواب نابلد ار گنجایش و ترنگا باشد یک قطعه پروانه بمهر خاص حاصل نموده عنایت سازند کرم
سرانجام نیل کرده خود را البشکر ظفر پیکر رسانند زیاده چه التماس نماید. مکتوب سی و یکم غریب پرور سلامت رسل از جانب
رخصت یافته در پرگنه رحیم نگر رسیده احوال آن پرگنه ویران یافت. بسبب سختی عامل سابق رعایای پرگنه
پریشان و فرار شده بودند. بمرحمت تسلی و دلاسا نموده آباد کرده ام چون هنگام تردد است و در اکثر دهات
نگار و اد غله نیست که تردد کشتکاری نماید لهذا امیدوار از فضل و کرم است که مبلغ پانصد روپیه از سرکار عنایت شود.

که تقاوی ما موده تردد کنانید جمع سرکار مع تقاوی باقی حصول نمائید. واجب بود بعرض رسانید. مکتوب
سی و دوم غریب در رسالت پناه کرامت نشانه در باب ارسال خزانه ورود فرمودند ساعت مسرت سرفرازی
بخشید مطابق ارشاد مبلغ پنجهزار روپیه که موجود بود همراه میر سلطان علی و غیره سواران ابوردی میر فیض الله
ارسال نموده اغلب که داخل خزانه سرکار خواهد شد امید از فضل و کرم است که متصدیان امر شوند که داخل زر باقی
مرسله سواران مسطور نموده زود رخصت نمایند انشاء الله تعالی از عقب خزانه مقبول سرانجام نموده
ارسال می دارد واجب بود بعرض رسانید. مکتوب سی و سوم غریب در رسالت پناه رعایا اکثر دیهات این پرگنه باقی
سرکار بر ذمه خود گرفته در پرگنه دولت آباد علاقه میرزا انور بیگ سکونت گرفته اند. هر چند که فدوی سه مرتبه
سنجیدت [illegible] که اسامیان فراری گشته لیکن میرزا مسطور متوجه نمی شوند [illegible] اخذ زر نمی کنند
امید از فضل و کرم است که یک قطعه پروانه بنام میرزا الیه مصحوب چیله سرکار صادر شود که اسامیان را حواله کسان
فدوی نمایند که بجای خود آمده آباد شده در سرانجام زر باقی در آیند و مشغول باشند واجب بود بعرض رسانید
مکتوب سی و چهارم غریب رسالت پناه در سنگ پنج سوا کلپوش نام غلام حیدر [illegible] طلب باقی سال گذشته
شده غلام [illegible] عرض کرده بود که این [illegible] سال سرانجام خواهد شد امید از فضل و کرم است که در سنگ سواران
رسیده شد با اقبال عالی آنچه ارسال سرانجام خواهد یافت قصور نخواهد شد [illegible] سال [illegible] غلام
دولتخواه فرمان بردار سرکار است هرگز در سرانجام فرمان [illegible] بالگزاری تقصیر نخواهد شد [illegible] بعرض رسانید عمر
دولت زیاده باد. مکتوب سی و پنجم غریب در رسالت پناه [illegible] آمد و سرافرازی [illegible]
نموده در باب طلب فدوی مع خزانه حکم شده بود حسب الامر تدابیر فراهم آوردن [illegible] انشاء الله
تعالی در عرصه یک هفته مبلغ جمع نموده [illegible] امید است که متصدیان [illegible] شود
رسیدن [illegible] سزاوار [illegible] معاف [illegible] بعرض رسانید. مکتوب سی و ششم [illegible]
خداوند نعمت دو جهان سلامت آداب عبودیت فرمان [illegible] بجا آورده بعرض [illegible]

نوازشنامه سعادت آمود رسید باعث سرفرازی بنده نوازی گردید در باب سال اخراجات و تقید تحصیل زر امر شده بود
بنده نواز زر وجه یک تحصیل شده بود - و بر روز مع حرم بیگ و غیره سواران حضور این سال دانسته یقین ست که
داخل فوطه خانه سرکار شده باشد و از تاکید تحصیل زر که باعث غافل نیست باقبال عالی سرکار بر وقت تحصیل نموده
متواتر ارسال حضور میدارد و واجب بود بعرض رسانید - مکتوب سی و هفتم - خان صاحب قبله خدایگان
فیض رسان سلامت درین ایام فرخنده فرجام مبارکه بگوش دعاگویان رسید که خدمت چکلداری پرگنه
علی نگر بنام نامی از حضور فیض گنجور بندگان نواب مستطاب مقرر گشته خدا میداند که از استماع این خبر
فرحت اثر چندان انشراح خاطر و جمعیت ظاهر و باطن بحصول پیوسته که بیان آن دشوار است
او سبحانه تعالی مبارک و فرخنده ساخته دولت و وزیر روزافزون گرداناد امیدوار توجهات است که فدوی را
یکی از دو تنخواه داران قلم تصور نموده همیشه باصدار سرفرازنامجات جزو و کل ضرورات یاد ممتاز میفرموده باشند دولت
واقبال زیاده باد - مکتوب سی و هشتم - خان صاحب خدایگان فیض رسان سلامت لوازم بندگی
بجا آورده التماس میدارد بورود الطاف صحیفه خیلی جمعیت و انبساط حاصل نمود - در باب گزرانیدن
عرضی و دستخط شدن موافق استدعا شرف ایما شده بود - مطابق ارقام گرامی هنگام خلوت عرضی
بنظر مبارک خان صاحب قبله گزرانیده بحسب آرزوی دعاگویان فیض رسان بدستخط کنانیده ملفوف عریضه
ارسال داشته شد امیدوار توجهات است که مخلص را یکی از ملازمان دو تنخواه تصور فرموده بارشاد خدمات
لایقه معزز ممتاز میفرموده باشند که سرانجام آن دست رین پنداشد - عمر و دولت زیاده باد - مکتوب
سی و نهم میرزا صاحب خدایگان بی فیض رسان سلامت سرفرازنامه متضمن طلب زر ورود فرموده اعزاز
و امتیاز بخشید بنده نوازا همگی پنج هزار روپیه و سه پرگنه از جمع سال تمام باقیست هنگام ورود آینده
پیش آمد اگر درین وقت زر از رعایا طلب نماید خلل در زر و آینده میشود - صلاح دولت آن است که دو پانزده روز
مهلت شود انشاء الله تعالی وعده بر عرصه انتر و خاطر جمع کرده باقی زر سرکار تا آخر این ماه وصول نموده

ارسال خواهند داشت و احب و بعرض رسانید۔ مکتوب چهلم بمیرزا حسب صاحب قبله خداوند فیض رسان
سلامت مراتب عبودیت و بندگی بجا آورده بعرض سعادت اندوزان جناب فیض مآب میرساند ورود
نوازشنامه فیض آمود باعث سرفرازی گردید و در طلب نهالهای نارنگی و شفتالو امر شده بود بنده نوازا
باغبان سرکار را حکم شود که در باغیچه فدوی شید(؟) هر قدر نهالهای که مطلوب خواهد کند بر دامیدوار
توجهات است که همیشه بارشاد خدمات ممتاز و نامی شده باشد الهی شجره دولت بثمره مراد بارور باد مکتوب
چهل و یکم بمیرزا حسب صاحب قبله و کعبه مراد دو جهان سلامت مستان(؟) آداب تسلیمات خادمانه بجا آورده معروض خدمت
سراپا برکت میگرداند۔ ایام دیدار منقضی گشته که این مهجور الخدمت بنیاز عالی نه گرفت(؟) است از توجهات
بزرگانه امیدوار که باصدار تسلی نامجات متواتر بهره مند و کامیاب می شده باشند و درینولا [illegible]
اکبرآبادی شخصی بنام [illegible] فرستاده بود [illegible] قابل سرکار دانسته ابلاغ خدمت نموده امیدوار است که درجه پذیرائی
یابد زیاده حد ادب۔ مکتوب چهل و دوم۔ میرزا حسب صاحب قبله خدایگان سلامت مراتب بندگی بتقدیم رسانیده
معروض خدمت فیضموجبت میگرداند ورود عنایت نامه موجب حصول جمعیت مدعا تازه گردید درباره طلب
[illegible] موضع [illegible] که [illegible] خانی سکه [illegible] دولت نگر نوشته امر شده بود خدایگان من
[illegible] ظاهر نماید که [illegible] کچهری حاضر کرده از [illegible] لیکن
منصف یا العلت [illegible] از دفتر جدا نکرده [illegible] بود بعرض رسانید۔ مکتوب چهل و
سوم۔ میرزا حسب صاحب قبله خدایگان فیاض زمان سلامت شرایط بندگی خدمتگزاری بجا آورده ملتمس میشود مرحمت صحیفه پرتو
ورود افگنده بهره مند سعادت اندوز گردانیدند در باب جاگیر کرهی بهاگلا [illegible] که انشی بقلم آمده بود حسب ارقام
شریف تا مقدور خود و خدمت غور رسی الیه قصور نخواهد شد همیشه امیدوار ارشاد خدمت است واجب بود بعرض رسانید
مکتوب چهل و چهارم۔ میرزا حسب صاحب خدایگان فریادرس دادخواهان سلامت تقدیم(؟) اجد عبودیت و بندگی بجا آورده التماس
میدارد در رعایا موضع [illegible] نگر علاقه [illegible] خواهشمند که عامل [illegible] دولت آباد بموجب آنها [illegible] میرسانند

از ذات بابرکات که داد گستر رعیت پرور است امیدوار است که یک قطعه پروانه بنام عامل مذکور عنایت شود که باعث
آزار و اضرار رعایای موضع مذکور نشود خورشید اقبال و جلال دائما تابان باد. مکتوب چهل و پنجم.
شیخ صاحب قبله خداوند خدایگان سلامت سرفرازنامه متضمن طلب کهاران جهت پالکی بکرر ورود فرمود
سرفرازی بخشید حسب الامر ده نفر کهاران رواتب هیچ روپیه فی نفر مقرر نموده روانه ساخته همیشه امیدوار اصدار
عنایت صحائف می باشد دولت و جلال دائما مزید باد. مکتوب چهل و ششم شیخ صاحب فیض رسان سلامت
بعد گزارش لوازم بندگی و تمنای خدمت بشرف عرض رسیده ملتمس می دارد که زمینداران موضع رام نگر مبلغ پانصد روپیه
از گلاب رای مهاجن بموجب حسب فرموده آن فیض رسان بوعده ماه کنوار بطریق تقاوی دهانیده بودم چنانچه
ماه آگهن هم آخر شد زمینداران زر مذکور بمهاجن نرسانیدند و مهاجن مسطور از بنده تقاضا میدارد
لهذا تصدیعه داده می آید که زمینداران مذکور را تاکید فرمایند که زر مهاجن معه سود ادا سازند که آینده سلوک داشته
جاری باشد. زیاده جمعیت و کامرانی باد. مکتوب چهل و هفتم شیخ صاحب سراپا لطف و احسان سلامت بعد اظهار
شرائط عبودیت و آرزومندی حصول نعمت ملازمت معروض میدارد بود و الطاف نامه عاطفت آمود و سرفرازی
جمعیت و خرمی حاصل گردید از راه توجهات در مقدمات خیرخواه بموجب التماس و کیل در باب قلم اشفاق رقم آمده بود
موجب مرهون عاطفت ها می گردید. بنده بدبار آن ذات ستوده صفات را مربی خود میداند توقع انجام کارهای
دربار از دستگیری شریف همین دارد. او سبحانه تعالی آن جناب را به بزرگی تا دیرگاه سلامت داشته بمراتب لائقه دل خواه
رسانند. خیرخواه را از خود تصور فرموده باصدار عنایت نامجات مع خدمات لائقه ممنون میکرده باشند دولت و اقبال
بی زوال باد. مکتوب چهل و هشتم شیخ صاحب خدایگان منبع جود و احسان سلامت قواعد بندگی و مراتب
عبودیت و مستعدی بجا آورده معروض خدمت سراپا برکت میگرداند از نوشته اخوی سید فیض الله دریافت
که بزرگان نواب صاحب دام اقباله و صدار دیگر رساله تشریف فرموده اند آن صاحب تلاش سواران هستند بالتماس
این خبر خیلی بهجت و جمعیت حاصل گردید چون خود را قدر الله معطل بخانه نشسته است لهذا التماس مینماید که بقدر

سواران شاد شود و همراه برخوردار مذکور روانه خدمت گرامی نمایند که تا انبساط گی بجا آورده سعادت دارین
حاصل سازد زیاده جمعیت و اقبال دائما و ترقی باد. مکتوب چهل و نهم بنام شیخ صاحب مهربان فیض رسان.
مهربان بیکسان سلامت. بعد تقدیم نیازمندی مشهود ضمیر منیر فیض تنویر میگرداند سابق زبانی وکیل دربار فرموده بودند که اگر
مخلص کلام و بیانه علاقه شریف بطریق تعهد اشد عنایت نماید در تبلیغ تنخواهها تو دریغ نخواهند بود لاکن هیچ شغل در پیش نسبت میخواهد
که موضع کریم پور ساترود کنانیه زر سرکار سرانجام نماید فقد زمین برائے وجه خوبیت متعلقان علیحده از جمع سرکار
کشتکاری کنانند. امیدوار دستگیری مشفقانه است که پته موضع مسطور بجمیع حاصلات گذشته عنایت شود که بمورد قبولیت
قبولیت گذشته حواله وکیل نمایند و در قبولیت بلا عذر داده سازند زیاده چه التماس نماید مکتوب پنجاهم بنام ابو الفضل صاحب
قبله خدایگان نبی فیض رسان سلامت بعد اظهار مراسم عبودیت تقدیم ساینده معروض رای اعلی بجا میگرداند مبلغ پنجهزار
روپیه از تعلقه بنده معرفت فتح چند وکیل داخل فوطه خاص سرکار نشده منصدیان کچهری دادن تغافل مینمایند
امیدوار از توجهات بزرگانه آن رو که منصدیان را تاکید شود که داخل زر مذکور حواله وکیل نمایند و بنده را ممنون منت سامی
بندگی قدیم است شایسته آن است که اگر کار دیگر کسی پیش آید بلا توقف انجام کچهری آورده دهند اینکه بر اسم آنکا خود
ملتجی و منتظر باشند آئینده نجابت گذشته متوقع بمقتضای لخواه دست دولت و کامرانی جاودانی باد مکتوب پنجاه و یکم بنام دیوان الفضل صاحب
دستگیر درماندگان مهربان بیکسان سلامت. نیاز اید فدویت بنامندی بجا آورده معروض خدمت میسر را بر کت میگرداند انتزاع یافته
که خدمت پتنکاری پرگنه فیروزآباد وغیره از حضور عالی متعالی بنام نامی صاحبزاده بلند اقبال مقرر شده از شنیدن خبر
نهایت انشراح ظاهر و باطن بحصول پیوست چون نهضه و نزد و از جهانپناه بمعیل پیوست لهذا آنشاء دولت دولتخانه بیکسان
خود و انشاء الله آورده که اگر خط بمهر خاص ... روزگار بیمه گرامی بنام صاحبزاده عنایت ... نواز
مراتب اقبال در نوازید. مکتوب پنجاه و دوم دیوان الفضل صاحب مشفق قدردان فیض رسان سلامت بعد اظهار مراسم
بندگی و آرزوی خدمت شریف التماس میدهد عنایت نامه مشتمل طلب بسبب نقصان گرمی خیمه تشریف زود
فرموده موجب جمعیت وافر گردید موافق فرموده سامی دلال طلب داشته فکری حواله نموده تاکید بواقعی کرده

که بر فدوی هم خرابی آورد انشاء الله تعالی از عقب بهای نتیجه گزی جمع گرانده بگرامیخدمت ارسال خواهد داشت اندر این
خود والله باز شناخدمت معزز می فرموده باشند زیاده چه التماس نماید - مکتوب پنجاه و سوم - دیوان صاحب مشفق
فیض رسان مستمندان سلامت لوازم بندگی تقدیم رسانیده مشهود ضمیر فیض تصویر میگرداند سابق پروانه تنخواه
مبلغ پنج هزار روپیه بنام میرزا معظم بیگ خان علاقه بند صادر شده بود چنانچه فدوی زر تنخواه داده وعده
کرده و در تدبیر ادای آن زر مقید است از نوشته وکیل درگاه معلوم شد که دیگر پروانه تنخواه سه هزار روپیه بنام شیخ
دوست محمد بر علاقه بنده طلب میشود چون هنوز تنخواه سابق ادا نشده و هنگام تحصیل نیست امید از دستگیری مربیانه
آنکه تنخواه شیخ مسطور بجای دیگر فرمایند که از تقاضای مردمان [illegible] برائی نمیتواند - زیاده چه عرض نماید -
مکتوب پنجاه و چهارم - دیوان صاحب قبله فیض رسان سلامت مراتب عبودیت و بندگی بجا آورده معروض
خدمت فیض منزلت میگرداند - تعلقه راجه پور را شخصی سال گذشته میخواهد مبلغ پانصد روپیه نذرانه
آن فیض رسان قبول می کند - چون مکان بی نزد دست از تعهد نمیرود هم میشود و در سرکار هم بلا خرج سه
بندگی انتظام می یابد اگر این معنی صورت بندد بهتر است مخلص بکار دولتخواهی التماس نمود ظل دولت ممدود
باد - مکتوب پنجاه و پنجم - لا زال صاحب قبله فیض رسان سلامت شرائط عبودیت مستمندی بجا آورده معروض
فیض بهره میگرداند باستماع مژده تفویض خدمت نوشته سرکار دولتمدار نواب فلک جناب [illegible]
صفا جمعیت بی اندازه حاصل گردید او سبحانه تعالی مبارک و فرخنده گرداناد و بنده [illegible] شیخ صاحب
فیض رسان و رحیم نگر استقامت می دارد امید از فضل و کرم است که مخلص را یکی از وابستگان تصور فرموده
باصدار عنایت نامها معزز و ممتاز می فرموده باشند - زیاده عبودیت مراتب - مکتوب پنجاه و ششم حال صاحب
قبله فیض رسان سلامت بعد اظهار مراسم فدویت ناصیه بندگی بخدمت والا [illegible] سعادت التماس [illegible] فیض
[illegible] جلال آباد [illegible] معانی [illegible] فیض گنج [illegible] خدمت [illegible]
عالیه [illegible] سعادت عظمی است لهذا التماس دارد - که هر قدر توجه [illegible] حصول مطلب صاحب بنده

خواهد شد نیازمند مرهون منت و زیر بار احسان تشریف خواهد گردید و حدیث نبوی صلی الله علیه و آله و اصحابه وسلم
مؤکد این معنیست خیر الناس من ینفع الناس او سبحانه تعالی ترقی عمر و دولت مزید گرداناد مکتوب پنجاه
و پنجم. لاله صاحب مهربان فیض رسان سلامت بعد ابراز مراتب بندگی و نیاز التماس میدارد از نوشته گلاب سرای
وکیل دریافت شده که متصدیان کچهری دیوان حق التحریر بر افراد داخله نشانی نمیکنند لهذا متصدع خدمت گرامی
میشود که هر چه رسم تحریر بر متصدیان از وکیل اینجانب شده عاید نمایند از گماشتهای دکان نام ساهوکار بدهانند که داخله ها
طلب نشده نزد مخلص نشد انشاء الله تعالی زر نزد [?] رسانیده خواهد شد زیاده چه بر طراز د مکتوب
پنجاه و ششم. لاله صاحب خلعت ایشان دستگیر ماندگان سلامت بعد تقدیم مراسم بندگی و تعظیم التماس میدارد شیخ بدر دین بعلت بالمضامیر [?] الله
در بندیخانه محبوس شده اند همگی مبلغ دو صد روپیه بابت عالمگیری مع جمله بالفضا باقیست شیخ مذکور میگوید که اگر خلاص شود و یکجا
مذکور سرانجام کرده بسرانجام [?] جامع الحسنات [?] در احتیاج لهذا عرض نموده که بعوض بندگان انتصاف مآب قبله طلاق دستگاه در آنچه
مخلصی مشار الیه زود مشکور مبذول نمایند درین صورت بر مخلص منت عظمی خواهد شد الله تعالی نتیجه خیر کرامت
گرداند. مکتوب پنجاه و هفتم. لاله صاحب مهربان ملجای غربا و بیکسان سلامت بعد گزارش مراسم
بندگی که در وظیفه مستمندان است ملتمس میشود و اخلاص دستگاه میر قدرت الله سپاهی پیشه ظریفست از گردش زمانه افلاس
تمام بحال او راه یافته بوسیله نیازنامه عازم خدمت گرامی گردید از آنجا که او سبحانه تعالی دستگاهی [?] باعث
نفع خلایق گردانیده است اگر توجهی بحال مشار الیه مبذول شود از غربا نوازی بعید نخواهد بود زیاده جمعیت و خرمی باد

فصل دوم بطرف ادنی مشتمل بر بست مکتوب نویسد

مکتوب نخستم. برخوردار نور چشم راحت جان طول العمر همواره در حفظ حق جل و علا بوده از عمر و زندگانی بهره
یاب باشند بعد دعوات مزید حیات مطالعه نمایند احوال اینجا بموجب شکر است سلامتی آن نور چشم
دائما مطلوب است زر در یک آمدن اینجا بموجب لشکر [?] خبر خیریت آن خود از بسیار خاطر متردد است لهذا قاصد ا

مع هنڈوی مبلغ دو صد روپیه بدکان گلاب رای اشاعت‌کا متوطن بلده فتح پور فرستاده شد لازم که زر هندوی را و
ساهوکار گرفته رسید نوشته بفرستند که خاطر جمع شود و در تحصیل علم نیز سعی بلیغ نمایند که سعادت دنیا و عقبی از ان
زیاده چه — مکتوب ششصت و یکم برخوردار نور چشم سعادت اطوار کامگار طول عمره بعد ادعیه وافیه و شوق
و دیدار فرحت آثار مکشوف خاطر عزیز باد خط مسرت نمط معه خطوط عظیم آباد رسید باعث انبساط خاطر گردید حقیقت
آمدن خود همراه شاه صاحب که نوشته بودند باید که هرگاه شاه صاحب حضار و امکان متعلقه شوند آن برخوردار نیز همراه شوند
که در عالم نوکری اطاعت و خدمات آن قاضی و رسیدن بفضل الهی آن برخوردار خود دانا هستند — دیگر با احتیاج مبلغ
نیست زیاده بجز شوق چه نوشته آید — مکتوب ششصت و دوم برخوردار سعادت اطوار خجسته افعال طول عمره
بعد دعوات مزید حیات مطالعه نمایند درین ولا خط آن برخوردار رسید خاطر مسرت شد بنابر آن قاصد همراه مبلغ
یکصد و پنجاه روپیه فرستاده شد لازم که رسید مبلغ مذکور بنگارند و مبلغ پنجاه روپیه بجمله مصارف مشیخت پناه
فضیلت دستگاه شیخ عبدالله اخوند صاحب خواهند داد و در نوشتن و خواندن سعی موفور بکار برند که روزی
روز بروز فن انشا بهره وافی حاصل شود زیاده عمر باد — مکتوب ششصت و سوم برخوردار سعادت آثار شایسته کردار طول عمره
بعد دعای مزید حیات و ترقی درجات مطالعه نمایند که احوال این نواحی بخیریت و خیریت آن برخوردار دائما مطلوب
از چندی که من ولد لشکر آمده ام خط آن برخوردار وصول گردیده خاطر متردد است لهذا قاصد فرستاده شد لازم که از
احوال خیریت اشتمال اطلاع دهند که خاطر را طمانیت بهم رسد و در خواندن و نوشتن سعی موفور بکار برند که
سعادت کونین در تحصیل علم است هر که غافل ماند جاهل ماند زیاده والدعا — مکتوب ششصت و چهارم برخوردار
نور الابصار راحت القلوب عبدالکریم بهره از عمر و زندگانی و آمال کامرانی باشند بعد ادعیه وافیه و شوق فدیه راحت تا
مکشوف خاطر باد خط مسرت رسید باعث نشاط خاطر گردید از تکلیفات خرج که نوشته بودند شد وجه از سرکار نیاید
طلب ادا نکرده می آید خرج معقول خواهیم فرستاد الحال مبلغ یکصد روپیه از خزانچی سرکار بطریق قرض گرفته فرستاده
شد لازم که بکار ضروری خرج خواهند کرد و از تحصیل علم غافل نباشند که امتیاز عزت و مرتبه از هنر زیاده والدعا فقط

مکتوب شصت و پنجم برخوردار کامگار اقبالمند همواره از عمر و دولت کامران کامیاب باشند بعد دعای مزید حیات
و ترقی درجات مطالعه نمایند خط مرسله وصول نمود باعث انبساط گردید از عنایت بندگان نواب صاحب قبله دام اقبالهم
بحال آن بلند اقبال عطای رساله پانصد سوار و یک هزار پیاده جز ایزد اندازه کرده تعلیم آورده بودند ایزد سبحانه تعالی
مبارک ساخته روز بروز ترقی مراتب گرداناد - و بنابر طلب سواران که نوشته بودند انشاء الله تعالی بر فرو سوار ایهم
میسر شده فرستاده میشوند زیاده جمعیت و کامرانی باد مکتوب شصت و ششم برخوردار سعادتمند قرة العین غلام حسین طول عمره
بعد دعای مزید حیات ذوق دیدار مسرت آثار واضح باد احوال این جا بفضل خدا مستوجب شکر است و سلامتی آن
نور چشم مطلوب دیر است که از احوال آن کامگار اطلاع نه دارد - لهذا آدم فرستاده شد لازم که کوائف خیر و خیریت مفصل قلم
آرند که خاطر جمع گردد - یک کمان قبضه برای آن برخوردار فرستاده شد خواهد رسید باید که استعمال تیر اندازی نمایند که
کمانداری هنر بزرگ است بیشتر آرزو و بهتر مراد مقدار باد - مکتوب شصت و هفتم برادر عزیز دانشمند سعادت آثار تا بهمواره
در حفظ حافظ حقیقی بوده کامیاب و شاد کام باشند بعد دعوات مزید حیات و شوق دیدار مسرت آثار منکشوف خاطر عزیز باد
احوال این جا مقرون بصحت و سلامتی آن سعادتمند دمبدم از حضرت سبحانه تعالی مطلوب خط بهجت نمط وصول نموده
مال انبساط و خرمی ساخت برای قبول کردن شادی برخوردار سند خصال الله رام دیال که نوشته بودند اگر باصلاح
مشفقه مکرمه والده ماجده در آید چه مضائقه مرا هم منظور مبارک است مخدومه برهمه چیز مقدم دیبا و الدعاء -
مکتوب شصت و هشتم برادر سعادت پر جمیله خصال الله سعادت اطال الله عمره بعد ادعیه وافیه و شوق دیدار
نمایند - احوال این جا النواحی مقرون شکر الهی است خیریت آن عزیز از خدا دائما انند عا می بود و اینجا ب
بفضل الهی سرکار نواب صاحب غلام علی خان سکه بنجاه روپیه بلا قصور نوکر شد انشاء الله تعالی بعد چندی ترقی معقول
فرمنده میشود باید که سعی اطراح در تحصیل علم سعی کماحقه بکار برده بتحریر خیریت خود منبسط میساخته باشند زیاده
ما بهتر از قیمت روپیه خرید فرستاده خواهد بیا زیاده دعا مکتوب شصت و نهم برادر برابر بلکه از جان بهتر خوش
الله بعمر و حفظ داور بود از عمر و دولت بهره ور باشند بعد دعوات مزید حیات و شوق دیدار مسرت آثار واضح باد

روئیداد این حدود و بحمد رب المعبود شامل حال است و سلامتی آن ستوده صفات هر ساعت خواهانست تخمیناً یک سال
میشود که اخوی مکرمی آغا جانی پیر شاه برائے مطلب آن برادر فرستاده بودم هیچ احوال دریافت نیامد که به چه سبب در
درآمدن توقف کرده اند انتظار کشیده قاصد فرستاده شد لازم که آنچه حقیقت برادر کامگار باشد اطلاع دهند
که خاطر جمع شود زیاده بجز شوق چه نویسد - مکتوب هفتادم برادر کامگار شائسته کردار طول عمره بعد عافیت مزید
حیات بهجت آیات مکشوف با دو خط مسرت نمط رسید باعث انشراح خاطر گردید بعد ازین رسیدن این جانب جهت تشخیص
مواضع بهوانی پور نوشته بودند برادر من اتفاق آمدن نشده چند روز مهلت افتد باید که شما باتفاق بهائی
کنور سین جمع آنجا بموجب حال حاصل فیصل کرده از زمینداران قبولیت بگیرند و از مهر خود دستخط نوشته
دهند که ساخته پرداخته آن کامگار منظور است زیاده بجز شوق چه نوشته آید مکتوب هفتاد و یکم عزیز با تمیز
شائسته کردار خجسته اطوار همواره خوشوقت و شادکام باشند بعد از دعای مزید عمر و شوق دید که راحت آن
مکنون خاطر عزیز باد مسموع شد که آن سعادتمند دانش آموز بخدمت فضیلت و کمالات دستگاه مولوی عبد الله
جیو شروع تحصیل عربی نموده اند خدا می داند که بشوق باطن آن کامگار طبیعت بالنهایت خرمی بهم رسید
باید که سعی و دل سوزی تمام بکار برده علم صرف و نحو کما ینبغی یاد گیرند اگر علم منطق و معقولات تحصیل نمایند اولی است
والا این قدر برائے علم فارسی ضرور است عالم الغیب بعلوم معاش و معاد فائز گرداناد مکتوب هفتاد و دوم
عزیز القدر سعادت آثار خوشوقت باشند خط مسرت نمط بخاطر رسید خوشی و خرمی حاصل گردید الحمدلله که تنخواه شش
روزگار بطرف عظیم آباد نوشته بودند درین روز ها خدمت جدا ارسال گشت تنها آباد و غیره از حضور اعلی
دینجانب با مقرر شده نیست اگر این مقدمه راست می آید خاطر شما است چرا شعر بوده در اختیار خواهند کرد
دیگر در خانه بگذارند انشاء الله تعالی امید جا نوکری میسر خواهد آمد زیاده چه نویسد مکتوب هفتاد و سوم برادر
عزیز القدر سعادتمند عالی جناب محفوظ باشند بعد دعا و شوق آنکه یک اسب ترکی در خانه مقیم است اگر قیمت مبلغ
روپیه فیصل شده است آن اسب را خواهم خرید لهذا نوشته می شود که آن عزیز القدر قیمت از دکان ... هم خواهند کرد

گرفته بممالک سابقه ایشان را دریغ‌جا لفرستند زیاده والدعا. مکتوب هفتاد و چهارم. عزیز القدر شیخ مسعود سعادت
بهبود باشند خط مرسله رسید بر حقیقت مندرجه اطلاع شد نوشته بودند که زمینداران الجی را [illegible] نمی‌دهند سرکشی آنها
از حضور تعیین شود مطابق نوشته شما میرزا احمد بیگ معه بیست سوار کلاه‌پوش را دستگیر فرستاده شد و تقید بلیغ نموده شد
که اینها را اولی شده باید بسابقی تعریف بحضور رسانند آن عزیز القدر زر موجودات را همراه گرفته خود را بحضور رسانند
که بعضی مقدمات متعلق بر وی بود و زیاده چه مرقوم شود. مکتوب هفتاد و پنجم. عزیز القدر میر ظفر سلامت باشند خط مرسله
رسید بر حال حقیقت مندرجه مطلع شده که از دستان دهات تحصیل نوشته بودند شیخ مطلوب عبد الغفور را بتعیین نموده
شد باید که تا هنگام تحصیل نگاه دارند و یک پیسه و ماشه مطالبه ارسال میداده باشند وقتیکه تحصیل متعذر شود دیوار و
هارا از حضور خواهند نمود زیاده چه نگارش رود. مکتوب هفتاد و ششم. سیادت و نجابت پناها فیض
در حفظ الهی باشند خط مرسله رسید بر حقیقت مندرجه آگاهی یافت از سرکشی زمینداران بهاموسا و عدم ادای
نذر نوشته بودند حالا فی الفعل تملق و چاپلوسی باید گرفت انشاء الله تعالی از تشخیص این مهمات فراغت نموده با
ضلع میرسیم. وبعد [illegible] التبشیر امیرسانم زیاده چه عرض کنم. مکتوب هفتاد و هفتم. مشیخت پناه شیخ قدرت احمد محفوظ
باشند سابق بجای ارسال خزانه قلمی شده بود به سهو انتظار بیها چون تاکید حضور در باب ارسال خزانه متواتر میرسد لهذا قلمی
می‌آید که بمجرد رسید نوشته زر معقول فراهم آورده مرسول نمایند و صورت احوال [illegible] زیاده چه تاکید رود
مکتوب هفتاد و هشتم. شجاعت و شهامت دستگاه مولاداد خان در حفظ الهی باشند عرضی ایشان رسید کوائف مندرجه
معلوم شد و مقدار ارسال زر بتاریخ هفتم شهر حال نوشته بودند امروز دهم این ماه است تا حال زر نرسید این قدر
خلاف نویسی پسندیده نیست باید که بسیار زود زر معقول ارسال دارند و آینده از این خلاف‌نویسی دست بردارند
که در حق شما خوب نیست. مکتوب هفتاد و نهم. خصوصیت و اخلاص دستگاه کنور [illegible] محفوظ باشند مسموع شد که زمیندار
موضع [illegible] تا آنکه بر جدا [illegible] یوسف زمیندار پرگنه [illegible] قطعاً بیع آب [illegible] خشک می‌شود لهذا
قلمی میگردد که بتحقیقات معقول [illegible] زمیندار [illegible] تاکید نمایند که از معمول انحراف نکنند زیاده چه نگارش رود

لکھا جاتا ہے

فصل سوم بطرف مساوی مشتمل بر پانزده مکتوب نویسد

مکتوب هشتادم - میر صاحب مهربان قدردان سلامت بعد سلام خیریت انجام مشهود ضمیر منیر میگرداند مهربانی نامه
چهره وصول افروخته بر حقیقت خیریتهای سامی آگاهی داده مبتهج و مسرور گردانید نوشته بودند که قیمت اسپ
ترکی از آن کمال خان مبلغ پانصد روپیه فیصل شده است و ازین کم نمیشود چون این جانب با اسپی ضرور درکار
ست امید که آن مهربان اسپ را مع سوداگر درینجا بیارند که به حواله مالک نموده اسپ گرفته شود زیاده چه بر طراز د
مکتوب هشتاد و یکم - شیخ صاحب مهربان مخلصان سلامت بعد سلام و شوق ملاقات مسرت آیات مکشوف رای
گرامی نموده می آید نامه اخلاص آمود وصول نمود - باعث نشاط دل انبساط افزا گردید بلکه در حقیقت هیچ کار از
راه مهربانی بدو سند ارسال فرستاده بودند رسید بغایت خورسند گردانید و سبحانه تعالی خدا آباد و زیاده تر گویند
مکتوب هشتاد و دوم - میرزا صاحب مهربان مفرمای نیازمندان سلامت بعد اظهار مراسم نیاز و آرزوی
حصول مواصلت تمام بهجت مشهود ضمیر اشفاق تصویر گردانیده می آید درینولا که از مدتی نامه مهربانی نامه
نساخته اند دل مشتاق منتظر است قاصد را برای دریافت خیریتها فرستاده شد ترصد که از مژده خیریت و ات
فرخنده صادر و ثید او لشکر ظفر پیکر منصل اطلاع دهند که خاطر جمع شود زیاده بجز شوق چه نویسد مکتوب
هشتاد و سوم - خان صاحب مهربان قدردان سلامت بعد سلام و آرزوی ملاقات سامی مشهود رای
عاطفت افزای میگرداند مهربانی نامه ورود فرمود نشاط وافر بخشید ارادهٔ لشکر فیروزی اثر بتاریخ
هفتم شهر حال و طلب مهمات سر جهت بار برداری نوشته بودند مهربان من درست است که میر فتحعلی [illegible]
پسر خود برده اند و الا [illegible] از آن انصاف است دیگر هرچه مطلوب باشد بی تکلف اطلاع دهند که به ابلاغ [illegible]
قصور نخواهد شد ایام جمعیت و شادمانی مستدام باد - مکتوب هشتاد و چهارم - میر صاحب قدردان سلامت
بعد تقدیم سلام بنیاد آرزومندی گرامی خدمت مشهود ضمیر منیر نموده می آید بوصول الطاف صحیفه مشمول بهجت و خرمی
گردید بتاریخ شانزدهم ربیع الآخر شاهی آئی میر فتحعلی و طلب انجام نوشته بودند ضامن هر چند عا

خیرخواه ست از خود تصور نمایند هرگاه که دو سه وز تا پنج برات باقی ماند کسی آن مبلغ را نه خواهند نمود
حوالۂ آن گرده خواهند شد یاده شادمانی وکامرانی باد. مکتوب بیست و پنجم خان صاحب مهربان توجه فرمائی
مخلصان سلامت بعد سلام خیر انجام تمنائی دریافت سامی مواصلت مکشوف رائے عاطفت فرمائے
گردانیده می آید امسال باغ دوستدار درختان تخم با آورده اند در نیول یک صد تخم برائے دوا مطلوب است
اگر در باغ شریف باشد البته عنایت فرمایند شجرهٔ مراد بارور باد. مکتوب بیست و ششم لا احب الضا مهربان
قدردان سلامت بعد سلام و آرزوے ملاقات فلهجت آیات مشهود ضمیر منیر گردانیده می آید مدتیست که
از شهر با احوال خیر مآل منشرح فارغ البال نساختند. انقباض خاطر بدرجه کمال ست امید از مهربانیهائے
دیرین آن ملاذ می رود که این فراموشی زیاد خیرخواهان عالم یگانگی را نداشته آیند برخلاف ماضی از انعام
احوال خیر مآل منبسط باید داشت. شیخ پیر محمد باراده چاکری مهره اند و در خدمت سامی می شوند از آنجا که
خدمت این طائفه عالیه موجب سعادت دارین ست اگر در سرکار خان صاحب گنجایش روزگار باشد دریغ
توجه نباید داشت زیاده چه بر طرازد. مکتوب بیست و نهم لا احب الضا مشفق مخلصان سلامت بعد گزارش
سلام و آرزوے دریافت مواصلت سامی مکشوف ضمیر مهربانی تصور نموده می آید. زبانی آئیندگان آن …
صوبه یافت شد که خدمت وقایع نگاری پرگنه جسیم باد و غیره از حضور فیض گنجور نواب صاحب قبلے
بنام خالص الاعتقاد علی رضا خان … مقرر شده و خدمت پیشکاری لا ضا خان صاحب بآن مشفق قرار یافته باستماع
این خبر جمعیت اثر خیلی نشاط و خرمی بحصول پیوست. اگر این معنی مقرون بصدق باشد مفصل اطلاع
بخشند که اخلاص منشان نیز از دل در خدمت سامی گرده و جمعیتها بمقرین روزگار فرخنده آثار باد. مکتوب سی ام
دیوان صاحب مهربان قدردان سلامت بعد سلام تمنائی گرامی خدمت مشهود ضمیر میگرداند صحیفه
مهربانی آمود وصول نموده بمقرین بهجت نشاط ساخت بنا بر تجه سوم خود ابکار فرموده بودند تدبیر
این بنده وکیل معز قسط بحضور میرسد تجه سوم شریف علیحده حواله خواهند نمود بخدمت سامی

خواهد رسانید مخلص والبته مهربانیهای خود تصور نموده بایمائی خدمات لائقه یاد فرما باشند که تقدیم آن موجب
خوشی باست دولت و اقبال روز افزون باد. مکتوب هشتاد و نهم. دیوان صاحب مهربان قدردان
سلامت وکیل برائے حصول داخله بکچهری فرستاده بودم ظاهرا متصدیان کچهری بی تحریر
داخله نمی نویسند چون معمول بنده این است که وجه تحریر آخر سال میرسانند درین صورت امید که متصدیان
تاکید شود که داخله وکیل را نوشته دهند انشاء الله تعالی زر تحریر بعد بیباقی زر سرکار نیز خواهد شد
زیاده چه نوشته آید. مکتوب نودم. دیوان صاحب مهربان قدردان سلامت بعد شوق ملاقات سامی
مشهود ضمیر منیر نموده می آید مهربانی نامه مشتمل بر شکایت قراریان موضع کریم پور که در موضع حسیم پور
علاقه بنده استقامت می ورزند رسید موجب نشاط خاطر گردید صاحب من فی الواقع قراریان مسطور در
در موضع مذکور بی اطلاع بنده استقامت کرده بودند وقتیکه بنده اطلاع شد قراریان علاقه سامی را
در علاقه خود جائے دادن مناسب ندیده فی الفور بدر نمود اگر می روند البته مشتمال نموده بخدمت سامی
می فرستاد زیاده بجز شوق چه نویسد. مکتوب نود و یکم. شیخ صاحب مهربان سلامت. گوپال مقدم
موضع دیوانی در علاقه سامی مبلغ پنجاه روپیه از رامو نامی زمیندار علاقه بنده بطریق قرض بوعده
فصل ربیع گرفته بود حالانکه وعده رسید در ادائے زر حیله و حواله می نماید چون مقدمه مذکور قابل عدالت است
مقدم مسطور را نزد خود طلبیده تاکید مزید فرمایند که از بد معاملگی دست بردار شده زر قرضه را بموجب اقرار
ادا نماید زیاده چه بر طرازد. مکتوب نود و دوم. میرزا صاحب مهربان سلامت. رعایائے موضع
کهاه اظهار نمودند که آسامیان موضع باند او در علاقه سامی اراضی پنجاه بیگه از موضع کهاه ازرو کاشت
کرده بودند محصول آن را می خواهند که منصرف نشوند چون مقدمه فیمابین حد است لهذا مستدعی
می شود که آسامیان مذکوره را منع باید شد که در زمین مسطور دست اندازی نشوند تا زمین مذکور ازان پنج دیه را
جمع نموده از روئے پنچایت فیصله گردد و نهر اگر زمین کهاه قرار یابد حاصل آنرا بموجب نسبت ده

بمالکت سانند واگر زمین با نداثابت شود مختار اند الفصال این قضیه ضرور ست زیاده چه نوشته آید
مکتوب نود وسوم میرزا صاحب مهربان سلامت خط سامی وصول نمود بر حقیقت مندرجه اطلاع دست داد
تقاضا از زر قیمت اسپ که نوشته بودند صاحب من بالفعل بنده تقاضائے زر سرکار بسیار ست۔
پر وانتجا از حضور متوانند رسید اگر زر در ارسال نمی آید دستک سواران کلی پرش تعیین بشود درین صورت
چندر ورد دیگر توقف باید نمود که زر سرکار ارسال کرده وجه قیمت اسپ البته آں مهربان خواهیم رسانید ظرف
خاطر جمع فرمائید زیاده چه نوشته آید۔ مکتوب نود و چهارم میرزا صاحب مهربان قدردان سلامت
گرامی نامه وصول نمود منبسط و منشرح گردانید در باب فرستادن یک دست جره ایما شده بود مهربان من
امسال چهار دست جره خرید کرده بودم یکی از ان محض ناکاره بر آمده ست در پرواز و صید گیری
خوب بر آمدند۔ از ان جمله یک دست که از همه بهتر بود۔ مطابق ایمائی سامی همراه رحیم بادار نموده بخدمت
خواهد رسانید همیشه از مهربانی قایم یاد فرماید و نشاط افزا می باشند زیاده چه بر طرازد

سستی کتابیں

حاجی چراغ الدین سراج الدین صاحب تاجران کتب لاہور

بازار کشمیری سے بذریعہ قیمت طلب پیکٹ درخواست کے ذریعہ ہو سکتی ہیں

بقلم عام فضل قادر